

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا ۵۴۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ آذر ۱۳۸۹، ۱ دسامبر ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدال گلپریان

گرامی باد نوزدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ نوامبر مصادف با نوزدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری است. هرکس که امروز به حزب کمونیست کارگری می اندیشد همزمان به سوسیالیسم و کمونیسم در قرن بیست و یکم می اندیشد. به انقلاب کارگران و مردم برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی سرمایه دارن می اندیشد و به جنبش های انسانی علیه توحش سنگسار و

صفحه ۲

زنده باد حزب کمونیست کارگری



بهروز بهاری

با دوستی در تهران صحبت می کردم پس از خوش و بش های همیشگی پرسیدم: راستی اوضاع چطور است با کمی مکث در جواب گفت: چی بگم اینجا همه چیز به هم ریخته هر روز انسان و انسانیت قربانی سود جویی مشتکی انگل مفتخور می شود، موجی در حرکت است که اگر نجنبیم سر ایستادن ندارد و شروع کرد به شرح اتفاقی که چند روز قبل شاهدش بوده و ادامه داد: از پیچ شمیران رد می شدم دیدم عده ای ایستاده اند و سرو صداست جلو تر رتم دیدم مردی بالای یک ساختمان چند طبقه رفته و می خواست خودکشی کند پس از چند لحظه مکث رتم دنبال کارم به کارگاهی که چند تن از دوستان در آن مشغول کار هستند از در که وارد شدم دوستی پرسید که چرا اینقدر گرفته ای، گفتم به جایی رسیده ایم که دارد مرگ آدمها برایمان بی

صفحه ۳

شهلا جاهد را کشتند!

بامداد چهارشنبه در زندان اوین يك جنایت هولناك دیگر اتفاق افتاد. در حالیکه از ساعات اولیه صبح سه شنبه، جلادان خبر اجرای حکم در ساعت پنج صبح روز چهارشنبه را به وکیل و خانواده شهلا جاهد اطلاع داده بودند،

صفحه ۲



مینا احدی



جانیان اسلامی بهنام ابراهیم زاده را در ۲۲ آذر دادگاهی میکنند

صفحه ۲

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک و عضو انجمن کودکان کار و خیابان نزدیک به ۶ ماه است که در زندان است. او قرار است در ۲۲ آذر ماه توسط جانیان اسلامی دادگاهی شود. برای او قبلاً وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده بود، اما وثیقه را از خانواده اش تحویل نگرفتند و بهانه آوردند که این وثیقه از شهرستان است و باید از تهران باشد. پس از آن بازداشت وی یکماه تمدید شد. سپس قرار بود در ۱۶ آبان برای او دادگاه تشکیل شود که به بهانه عدم

فراخوان به اعتراض علیه اعدام شهلا جاهد علیه حکومت اعدام و سنگسار

صفحه ۳

علیه حکومت اعدام و سنگسار در ایران و در خارج کشور

صفحه ۳

اسلام و اسلام زدایی

مصاحبه با "نگاه" نشریه کانون پژوهشی نگاه، دفتر اول، ژانویه ۱۹۹۹

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گرامی باد نوزدهمین سالگرد ...

از صفحه ۱

با این تلاش، با این جدال آنچنان عجیب شده است که جدا کردن آنها حتی برای دشمنانش نیز ساده نیست. چه کسی امروز میتواند از انقلاب علیه جمهوری اسلامی سخن بگوید و از این حزب نگوید؟ چه کسی از مبارزات برجسته کارگران در سالهای گذشته تاکنون میتواند حرف بزند و جای پای محکم حزب کمونیست کارگری را در این مبارزات نادیده بگیرد؟ جنبش ضد اعدام، ضد سنگسار و ضد آپارتاید جنسی و ضد فقر و ضد سرکوب با نام حزب کمونیست کارگری عجیب شده است. جنبش آزادی و برابری و انسانی در ایران با نام حزب کمونیست کارگری عجیب شده است. مدرن و پیشرو یک جدال طبقاتی کارگری، نماینده جبهه انسانی و رادیکالیسم در برابر کل جبهه ضد انسانی مفتخوران و مرتجعین صاحب سرمایه است. این حزب سنگر تاریخی و غیر قابل چشم

جانان اسلامی بهنام ابراهیم زاده را ...

از صفحه ۱

شنوایی گوش سمت چپ خود را از دست داده و از بیماری گوارشی رنج میبرد. در اعتراض به این فشارها و بازداشت و وضعیت بالاتکلیفش در زندان، بهنام در ۷ مهر به مدت پانزده روز دست به اعتصاب غذا زد، تا اینکه سرانجام وی را به بند ۳۵۰ اوین منتقل کردند.

جرم بهنام دفاع از حقوق کارگر، دفاع از حقوق کودک و مبارزه برای یک زندگی انسانی است. بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، غلامرضا غلامحسینی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

**اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.**

شهلا جاهد را کشتند!

از صفحه ۱

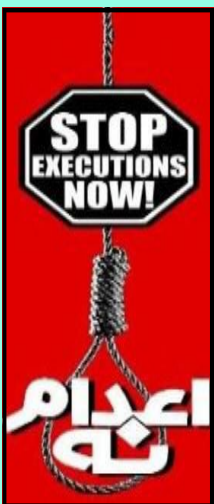
حکومت جرات نمیکرد او را اعدام کند. اکنون که نگاهها به ایران جلب شده و بدلیل کمپین جهانی نجات سکینه، نفرت و انزجار بین المللی عمیقی علیه اعدام و سنگسار در دنیا در جریان است، حکومت اسلامی تصمیم گرفت، یک زن سرشناس دیگر را که قبلاً قصد اعدامش را داشت، بکشد تا نشان دهد که از کشتن دست نمیکشد. این یک جنایت بیشرمانه و وحشتناک بود که جز نفرت و خشم عمیق مردم، چیزی برای جانیان در پی نخواهد داشت. حکومت اسلامی طوفان درو خواهد کرد. مردم ایران و این بار میلیونها نفر مردم دنیا دیدند که در ایران مثنی جلا و جنایتکار سر کار هستند که به راحتی آب خوردن جنایت سازمان میدهند و با این جنایات نفس میکشند و ادامه حیات میدهند. دستگاه قضایی این حکومت، دستگاه سازمان دهی جنایت علیه مردم است. تصمیمات به اصطلاح قضاوت این دستگاه مبتنی بر هیچ استاندارد بین المللی نیست. بی عدالتی محض و تصمیمات سیاسی و سازمان دادن بیرحمانه قتل و جنایت، عملکرد این دستگاه جنایتکار است.

مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام چهارشنبه ۱ دسامبر ۲۰۱۰ ساعت ۴ به وقت اروپای مرکزی
minaahadi@aol.com
آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

کسانیکه برای نجات او تلاش کردند، تشکر میکند. او بسیار با روحیه بود و از همگان تشکر میکرد. در پای چوبه دار آنگونه که خبر میرسد، او با صدای بلند گریه میکرد و چندین بار تعادل خود را از دست داده است. شهلا همانگونه که خود گفت، قربانی بود. قربانی یک بند و بست کثیف پشت پرده، برای عدم پیگیری یک پرونده قتل و برای خاک پاشیدن به چشم همه در مورد قتلی که هیچگاه روی آن بررسی دقیق نشد. بعد از قتل همسر ناصر محمد خانی، حکومت اسلامی در صدد یافتن یک قاتل بود که او را بکشد و پرونده را مختومه اعلام کند چه کسی بهتر از یک زن که میتواند از او تصویر شیطانی بسازند و علیه او فضا سازی کنند. آنها شهلا را شکار کرده و با شکنجه و آزار و اذیت بیرحمانه او را وادار به اقرار کردند و سپس حکم اعدام شهلا را صادر کردند. به اصطلاح قاضیان پرونده هیچگاه به ابهامات متعددی که وکلای پرونده مطرح میکردند، نیم نگاهی نیز نیانداختند و شهلا را بارها تا پای چوبه دار بردند. اگر او را از نه سال قبل نکشند بدلیل اعتراضات بین المللی و اعتراضات گسترده در داخل ایران به این حکم وحشیانه بود. شهلا یک مورد شناخته شده بود و

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که خشم



**مجازات اعدام باید فوراً لغو
گردد. اعدام یا هر نوع مجازات
متضمن تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)
تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد
باید لغو شود.**

علیه حکومت اعدام و سنگسار در ایران و در خارج کشور



شهلا، انزجارشان را به مجازات وحشیانه اعدام نشان دهند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه شهروندان دنیا، از همه سازمانها و مخالفین اعدام میخواهد که روز شنبه ۴ دسامبر در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و در مراکز شهرها تجمع کنند، حکومت آدمکشان اسلامی را شدیداً محکوم کنند و یکپارچه اعلام کنند که اعدام جنایت است و باید متوقف شود.

جمهوری اسلامی باید بداند که طوفان درو خواهد کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱ دسامبر ۲۰۱۰

سحرگاه روز چهارشنبه ۱ دسامبر جمهوری اسلامی شهلا جاهد را علیرغم اعتراضات وسیع بین المللی به دار آویخت. او را به دار آویخت که توان آدمکشی اش را نشان دهد تا جامعه سراپا اعتراض را مرعوب کند. اما اعدام شهلا با موج عظیمی از خشم و نفرت علیه جمهوری اسلامی و دستگاه تولید جنایت مواجه خواهد شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام همه مردم شریف و آزادیخواه در ایران را فرا میخواند که در مراسم یادبود شهلا هرچه وسیعتر شرکت کنند و ضمن همبستگی با خانواده

فراخوان به اعتراض علیه اعدام شهلا جاهد علیه حکومت اعدام و سنگسار

شوند و اعلام کنند که حکومت اعدام و جنایت باید گورش را کم کند. جمع شوند و بگویند که اعدام جنایت است و باید متوقف شود و تمامی احکام اعدام باید بدون قید و شرط لغو گردد.

به جمهوری اسلامی باید نشان دهیم که هر اعدامی به موجی از اعتراض علیه این حکومت تبدیل میشود. باید کاری کنیم که دیگر جرات نکنند حتی یک نفر را اعدام کنند.

اعدام قتل عمد دولتی است، جنایت است و در ایران و در همه جا باید متوقف شود!

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ دسامبر ۲۰۱۰
۱۰ آذر ۱۳۸۹

وسیعاً شرکت کنند تا اعتراضشان را به اعدام شهلا و به حکومت اعدام و سنگسار نشان دهند. در همه شهرها، مدارس و دانشگاهها و کارخانه ها به هر شکل که میتوانید از جمله با پخش تراکت و اعلامیه، با نصب عکس شهلا بر در و دیوار و یا شعارنویسی نشان دهید که با اعدام و آدمکشی مخالفید. به جمهوری اسلامی حالی کنید که همه جا در کمینش نشسته اید.

در خارج کشور کمیته بین المللی علیه اعدام روز شنبه ۴ دسامبر فراخوان به آکسیون های اعتراضی داده است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از این فراخوان، از همه مردم آزادیخواه میخواهد که مقابل سفارتخانه ها و کنسولگری های جمهوری اسلامی و یا در مراکز شهرها جمع

صبح روز چهارشنبه ۱۰ آذرماه جمهوری اسلامی دست به جنایت بزرگ دیگری زد و شهلا جاهد را به قتل رساند. این اقدامی از سر زبونی و درماندگی حکومت اسلامی است. زنی را از سلولش بیرون میکشد و به دار میزند تا به میلیونها مردم خشمگین و معترض قدرتش را نشان دهد. باید با به این آدمکشان حالی کنیم که تاوان سنگینی خواهند پرداخت. حزب کمونیست کارگری این جنایت را شدیداً محکوم میکند، به خانواده شهلا جاهد صمیمانه تسلیت میگوید و از همه مردم ایران، از مخالفین اعدام و شکنجه، از خانواده های زندانیان سیاسی و جانبختگان، از زنان معترض به بیحقوقی، از کارگران و جوانان و دانشجویان و از همه مردم میخواهد در مراسم یادبود شهلا

سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم

آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!



حزب کمونیست کارگری امید مردم ایران، امید میلیونها کارگر و مردم زحمتکش است.

نوزدهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری را به تمامی کارگران و تمامی انسانهای عاصی از توحش سرمایه داری، تبریک می گویم.

۲۸ نوامبر ۲۰۱۰

از صفحه ۱ زنده باد حزب کمونیست ...

صدها محرومیت از بهره مندی از امکانات رفاهی.

برای پایان دادن به تمام بدبختی ها و مصایب و برای بازگرداندن شادی رفاه و آزادی برای همه گان و برای نجات بشریت از هیولای سرمایه داری باید مبارزه ای متشکل را سازمان داد برایش حزب لازم است و این حزب هم اکنون وجود

دارد در دسترس است برنامه هایش اهدافش روشن و عملی است. حزب کمونیست کارگری، آری برای بازگرداندن اختیار به انسان بدست آوردن آنچه شایسته انسان است برای محو بهره کشی، محو کار کودک فقر و اعتیاد و فحشا و خلاصی از نکت جمهوری اسلامی باید در این حزب متشکل شد.

اسلام و اسلام زدایی

مصاحبه با "نگاه" نشریه کانون پژوهشی نگاه، دفتر اول، ژانویه ۱۹۹۹



نگاه: وجود و عملکرد جریانات و دولتهای اسلامی در سالهای اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، در عین حال سبب اختلافاتی در برخورد به مذهب و جریانات و دولتهای مذهبی شده است. هستند کسانی که میگویند "دولتها و جریانات اسلامی و مذهب اسلام را باید از هم جدا کرد. آنچه که در این کشورها میگذرد، ربطی به اسلام ندارد و ناشی از درک و استنتاج غلط این جریانات و دولتها از اسلام است". به علاوه میگویند "نباید علیه مذهب موضع گرفت و حرفی زد، چون این توهین به عقیده مردم است و باعث تفرقه بین آنها میشود..." نظر شما در این مورد چیست؟

منصور حکمت: من این را درک میکنم که منافع عدهای چنین اقتضا میکنند که تا حد امکان اسلام را از زیر تیغ خشم مردمی که قربانی یا شاهد جنایات غیر قابل توصیف اسلامیونند، بدر ببرند. من این را درک میکنم که ابعاد این جنایات و این هالاکاست [halocaust] چنان است که حتی در میان صف اسلاميون هم کسانی پیدا میشوند که نمیخواهند مسئولیت این همه پلیدی و زشتی را بر عهده بگیرند و لاجرم به نظر من طبیعی است که در چنین اوضاعی بحث "اسلام راستین" و رابطه آن با "اسلام پراتیک" یک بار دیگر بالا

بگیرد. اما از نظر من کمونیست، من آنتیست، از نظر ما شاهدان و قربانیان جنایات این اسلام، از نظر من و امثال من که در یک جدال سهمگین اجتماعی و سیاسی و فکری با این هیولا بسر میبریم، این اظهارات و توجهات از فرط رندی، احمقانه جلوه میکنند. مبانی عقیدتی اسلام، مبانی قرآنی اسلام،

خودشان را انتخاب میکنند. و لاجرم آنها که تحت لوای حرمت باورهای مردم، نقد به اسلام را پس میزنند، دارند فقط انتخاب معنوی و سیاسی خود را بیان میکنند و بس. اسلام را به عنوان یک عقیده قابل احترام برمیگزینند و فقط برای مشروعیت "خلقی" دادن به انتخابشان، عقاید خود را در بسته‌بندی "اعتقادات مردم" عرضه میکنند. من به هیچ خرافه‌ای، به هیچ ناحقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان نشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی - جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیدم، احترام نمیگذارم.

نگاه: یک مساله دیگر در این مورد که نه فقط توسط برخی از جریانات سیاسی و مستشرقین و رسانه‌های گروهی غرب گفته میشود، بلکه در بین بعضی از متفکرین و روشنفکران این کشورها هم طرفدار دارد، این است که مردم این کشورها مسلمانند و آنچه که در آنها جریان دارد، برای مثال موقعیت زنان و حجاب اجباری، جزو فرهنگ و هویتشان است. آیا به نظر شما، مردم ایران مسلمانند؟ ایران کشوری اسلامی است؟ و آیا ملاحظات فوق صحیح هستند و باید آنها را رعایت کرد؟

منصور حکمت: نفس دست‌بندی کردن و بسته‌بندی کردن واقعیت مرکبی نظیر یک جامعه، زیر یک برچسب تقلیل‌گرایانه مذهبی یا قومی و ملی، بخودی خود گواه این است که ما با یک تبیین علمی یا حقیقت‌جویانه روبرو نیستیم. کسی که جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی نام میگذارد، درست‌نظیر

کسی که آن را آریایی، شاه پرست، ایرانی، شیعی و غیره توصیف میکند، دارد در قلمرو پروپاگاندا حرکت میکند. سؤال این است که چه کسانی و در چه چهارچوب سیاسی و تاریخی‌ای دارد ایران را جامعه‌ای اسلامی توصیف میکنند و چه نتایجی میخواهند از این توصیف بگیرند. برای مثال معلوم است که رژیم اسلامی باید جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی توصیف کند، تا به وجود یک حکومت اسلامی در جامعه رنگ مشروعیت بزند. واضح است که یک راسیست و مهاجرستیز غربی باید ایران را جامعه‌ای اسلامی بخواند تا شکاف میان آدمی که از ایران آمده است را با مردم محل باز و پرنشدنی نگاه دارد. واضح است که یک ژورنالیست نان به نرخ روز خور باید این عبارت را استفاده کند و این باور را اشاعه بدهد، چون مدل تبلیغی و نگرش محافل سیاسی حاکم در جامعه غربی امروزه این است. به همین ترتیب محافل دانشگاهی از این الگو تبعیت میکنند، افکار عمومی در این جهت سوق داده میشود و غیره.

واقعیت این است که این اسم‌گذاری و دست‌بندی کاذب است. هدف این اسم‌گذاری، از هر سو که باشد، این است که کارا کتر اسلامی قوانین و مناسبات حاکم بر جامعه ایران، نه محصول یک تحمیل و فشار سیاسی، بلکه ناشی از نگرش و باورهای خود مردم قلمداد شود. اگر واقعا حجابی بر سر زنان ایران است، انتخاب خودشان باشد و از نگاه اسلامی‌شان به جهان مایه بگیرد، چقدر وجدانها در غرب آسوده‌تر میشود، چقدر معاملات و بند و بستهای رژیمهای دمکرات و لاس زدن روشنفکران و ژورنالیستهای یابی [yuppie]

غربی با دولت ایران موجه میشود، چقدر خفه کردن صدای اعتراض زن آزاده و اپوزیسیون انقلابی ایران به عنوان عده‌ای ناراضی افراطی و "جدا از مردم" ساده‌تر میشود. بسته‌بندی مذهبی و فرهنگی و قومی و ملی مردم، همیشه قدم اول در انکار حقوق یونیورسال و جهان شمول آنها

به عنوان انسان است. اگر نسل‌کشی در روآندا [Rwanda] دامه یک سنت آفریقایی است، اگر سنگسار یک رسم اسلامی مردم ایران است، اگر حجاب بخشی از فرهنگ زن در "جامع اسلامی" است، اگر شوهر دادن دختر نه ساله رسم و رسوم خود مردم آن ممالک است، آنوقت واقعا میشود فراموششان کرد، میشود تحقیرشان کرد، میشود بمبارانشان کرد و در پشت دیوار بلند مدنیست و دمکراسی غربی زیر دست حکام خودشان رهپایشان کرد. اما اگر معلوم شود که این انسانها چون دیگران در جامعه‌ای سرمایه‌داری و در یک بازار جهانی، تولید و زیست میکنند، اگر معلوم شود که این راه و رسمها و قوانین اسلامی به زور زندان و شکنجه‌گاه و اعدام و گشت خیابانی و دشنه و اسید و سنگسار به اینها تحمیل شده است، اگر معلوم شود که این مردم نظیر همه جای دیگر تشنه آزادی و برابری و رفع تبعیضاند، اگر معلوم شود که قوی‌ترین خصیصه این مردم، علیرغم همه این فشارها، عطششان برای فرهنگ و زیست نوع غربی است، آنوقت تمام این عمارت ایدئولوژیکی عوام‌فریبانه فرومیریزد و خسارات غیرقابل توصیفی به بار میآورد.

جامعه ایران، جامعه‌ای اسلامی نیست. رژیم استبدادی حاکم بر ایران یک رژیم اسلامی است، که علیرغم همه این فشارها، هنوز نتوانسته است مردم را مجبور ناگزیر کند تا این هویت اسلامی را بر خود بپذیرند. من یک غناز برای روشنفکری که با ارجاع به آمار مثبت احوال و مقوله "مذهب رسمی" مهر تأیید پای این اسم‌گذاری ریاکارانه میگذارد، ارزش قائل نیستم. پذیرش این مقوله، و از آن بدتر تبلیغ این مقوله، یک رکن تلاوم فاجعه‌ای است که در ایران و کشورهای اسلامزده جریان دارد.

نگاه: نظرتان در مورد "مذهب مترقی" و "پروتستانسیسم اسلامی" چیست؟ خیلی‌ها، از شخصیت‌های فرهنگی گرفته تا سازمانهای سیاسی، میگویند باید از شریعتی و

اسلام و اسلام زدایی... .

از صفحه ۴

سروش و سایر دگراندیشان اسلامی در مقابل "سنت گرایان" دفاع کرد. میگویند با میدان دادن و حمایت از اینان، اوضاع جامعه و زندگی مردم درست میشود. نظر شما در این مورد چیست؟

منصور حکمت: پروتستانیسیم اسلامی اگر بناست پروتستانیسیم باشد، باید انشعابی دینی ایجاد کند و قبله و هییرارشی [hierarchy] مذهبی جدیدی ایجاد کند و توده مردم را به این اسلام نوع دیگر فرابخواند. کاری که شاید بهائیت قرار بود بکند. شکوه‌های یک استاد دانشگاه مذهبی از حکومتی که ناگاه به او جفا کرده است را نمیتوان با این تحولات و چرخشهای بزرگ تاریخی در غرب قیاس کرد. اسلام در روینای خاورمیانه و ایران امروز و در رابطه با اقتصاد سیاسی جامعه کنونی، آن نقشی را ندارد که مسیحیت در دوران عروج سرمایه‌داری در غرب داشت. تطبیق یافتن اسلام با سیر تکوین اقتصادی این جوامع، مقوله‌ای فرعی است. این سیر اقتصادی، مستقل از حال و هوای اسلام و چند و چون قدرت تطبیقش با جامعه مدرن به هر حال طی میشود. جامعه ایران احتیاجی به لوتر [Martin Luther] و کالون [John Calvin] ندارد، چون حاکمیت اسلام بر آن نه یک هژمونی عقیدتی، روانشناسانه و ساختاری، بلکه یک سلطه سیاسی و

پلیسی است که به طرق سیاسی برانداخته خواهد شد.

نگاه: مطبوعات ایران را که ورق می‌زنید، به بحث‌های فراوان و کشفی درباره رابطه حکومت دینی و مردم، دین و آزادی، دین و تعقل، دین و جامعه مدنی و... برمیخورید. در مورد اینها چه فکر میکنید؟ رابطه مذهب و در اینجا اسلام، با حاکمیت مردم و جامعه مدنی و آزادی و تعقل و... را چگونه میبینید؟

منصور حکمت: مذهب، ایدئولوژی رسمی یک دولت فوق‌العاده خشن در ایران است. در نتیجه برای قشر روشنفکری که در ایران زیست میکند، هر موضوعی باید در متن اسلام و به عنوان گوشه‌ای از جهان‌بینی اسلامی بررسی بشود و یا لااقل تنشهای هر نظری با اسلام حاکم مورد اشاره قرار بگیرد. مباحثی نظیر حقوق بشر، آزادیهای مدنی، نظام سیاسی، سیاست اقتصادی، علم، فرهنگ و هنر و غیره همه مباحث مهم و میرمی هستند که الیت فکری جامعه در همه جا دأتما به آن میپردازد. در ایران به همه اینها باید عبارت "اسلام" اضافه شود. این به این معنی نیست که اسلام در خود پروپلماتیک مورد بحث جای علمی مشروعی دارد. این یک اجبار سیاسی است و نه شناخت‌شناسانه یا حتی تاریخی. این دوره بزودی میگذرد و مجلات ایران به این

مفاهیم در یک قالب جدی تر، بدون الزام تطبیق چیزی با اسلام و یا نشان دادن تناقض چیزی با اسلام، خواهند پرداخت. به نظر من مباحث اپوزیسیون مجاز و منتقدین قانونی در یک رژیم استبدادی هیچ وقت نباید در صورت ظاهر آنها و بر مبنای تعاریف و مقولاتی که خود به دست میدهند، جدی گرفت. مباحث واقعی در جامعه ایران وقتی به جلوی صحنه و صفحات نشریات داخل کشور رانده خواهند شد که اختناق سست شده باشد. بنابراین، راستش من مطالب نشریات روشنفکری داخل کشور را از نظر محتوایی مهم و جدی و مربوط نمیدانم. بیشتر جدال سیاسی‌ای که پشت رابطه و کشمکش دولت و این مجلات هست به نظر من قابل توجه است.

نگاه: به عنوان آخرین سؤال، نظرتان درباره وضعیت جنبش ضد مذهبی در قرن اخیر در ایران چیست؟ فکر میکنید این جنبش چه مختصات و چه جایگاهی در مبارزه و تلاش عمومی توده مردم برای یک زندگی بهتر دارد؟

منصور حکمت: هم جنبش مذهبی و هم جنبش ضد مذهبی در ایران برای بخش اعظم قرن بیستم، تحت تأثیر ترندهای بین‌المللی مهم‌تری قرار گرفتند که به اینها رنگی متفاوت از کشمکش مذهب و روشنگری در اروپای قرون قبل زد. اشاره من به انقلاب اکتبر و ظهور شوروی و بالاخره جنگ سرد است. هم اسلام و هم روشنگری ضد اسلامی در متن یک تلاقی مهم‌تر

بین‌المللی، در ظرفیت‌های تاریخی دیگری قالب زده شدند، یا شاید بتوان گفت از نو تعریف شدند. روشنگری ابتدا به بخشی از تحرك سوسیالیستی در جامعه بدل شد، اما خیلی سریع با ظهور شوروی به عنوان يك اردوگاه بورژوازی جهانی، عملاً به يك جنبش ابزاری و دم‌بریده تبدیل شد. به نظر من لبه انتقادی و مذهب‌ستیزی آزاد اندیشانه و بی‌محابای این جنبش محو شد، چرا که اکنون آخوند ملی و مذهب خلقی، و الهیات رهایی‌بخشی که میتوانست مؤتلف اردوگاه شوروی در مقابل آمریکا باشد، کشف شده بود و اسلام قابل دفاع یا قابل مدارا یافت شده بود. با استالینی شدن و توده‌باست شدن جامعه روشنفکری ایران و ورود ملاحظات تاکتیکی در برخورد به مذهب به عنوان پدیده‌ای که از قرار میتوانست علیه سلطنت و آمریکا کارساز باشد، دور ارفاق به اسلام و بعد حتی تظهير آن شروع میشود. در قطب مقابل، اسلام ضد کمونیست به يك اسلحه قوی غرب در جنگ با کارگر و کمونیسم ایران بدل میشود. این باورهای مذهبی مردم و قدرت اسلام به مثابه يك دین نبود که جمهوری اسلامی را ساخت، بلکه نیاز موکلین سابق رژیم شاه برای ادامه سیاست سرکوب چپ در ایران بود که اسلام در حال اضمحلال و منزوی خمینی را به جلوی صحنه کشانید. همه اینها، خیلی خلاصه، به این معناست که جدال آزاداندیشی با اسلام به عنوان يك مذهب به سرعت تحت تأثیر فعل و انفعال بخش‌های مختلف جامعه، و

همینطور قدرت‌های بین‌المللی، با اسلام سیاسی و جنبش اسلامی، قرار میگيرد. اگر کسی سی سال قبل از يك موضع آنتیستستی بنیاد اسلام را به ریشخند و نقد میگرفت، نه فقط از طرف دستگاه اسلام، بلکه از طرف خلقیون و ضد استبدادیون مورد حمله قرار میگرفت. کما این که امروز هم همان اردوگاهی‌ها، و کسانی که نگرش سیاسی‌شان محصول آن اردوگاه است، به ما منتقدین قاطع اسلام و مذهب حمله میکنند. از نظر اینها انقلابیگری و ترقی خواهی نه در کوپیدن اسلام و مذهب، بلکه در کنار آمدن و همزیستی با آن و ابداع يك اسلام "نو" و "امروزی" و غیره است.

به نظر من، امروز جنبش ما (کمونیسم کارگری) است و نفرت عمیق توده وسیع مردم ایران و بویژه زنان و جوانان در ایران از اسلام، که ماتریال يك تحول جدی ضد مذهبی و اسلام زدایانه را در ایران میسازد. اگر مردم ایران بناست چیزی از جنس سعادت را تجربه کنند، این جنبش باید پیروز شود. مطمئنم که در این مسیر، و با تکان خوردن مردم، يك قشر از روشنفکران آزاداندیش، روشن و روشنگر، به این جبهه خواهند پیوست.

به نقل از *اترنا سینیوال*، نشریه حزب کمونیست کارگری ایران، شماره ۲۸ - اسفند ۱۳۷۷

[کلمات انگلیسی داخل کروشه را سایت حکمت به متن اضافه کرده است.]

مجموعه آثار منصور حکمت را بخوانید!

www.hekmat.public-archive.net

www.wpiran.org

کارگر زندانی آزاد باید گردد

www.free-them-now.blogspot.com

زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گر سنگی و فقر مجالده شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی بر حذر دارند! شرم بر دزد های میلیاردی که ثروتهایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به گالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است. پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میداند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدور انسان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، مشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

حکومت اسلامی نمیخواهیم

مذهب در دست جمهوری اسلامی يك چماق است. چماق سرکوب اکثریت عظیم مردم! چماق حمایت از غارتگران و چپاولگران اموال مردم! سنگسار و شلاق و اعدام و تعزیر و قصاص اسلامی را بکار گرفته اند تا از اموال آیت الله ها و صاحبان سرمایه پاسداری کنند. حکومت آیت الله های میلیاردر را باید بزیر کشید! شر قوانین اسلام را باید از سر جامعه کم کرد!

دست خون آلود مذهب از دولت و جامعه کوتاه!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

کانال جدید: هات برد فر کانس ۱۱۲۰۰، FEC: ۵/۶، عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران در شبکه KBC

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
تلفن تماس و پیامگیر ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷



رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrswift code : BÖFAUS

شماره حساب انگلیسی

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!